احكام و تعاليم فردى - نهی از زنا

حضرت بهاءالله



**نهی از زنا**

**حضرت بهاءالله:**

1 - " قد حرّم عليكم القتل والزّنا ثمّ الغيبة والافترآء اجتنبوا عمّا نهيتم عنه في الصّحآئف والألواح " (كتاب اقدس – بند 19)

2 - " قد حكم الله لكلّ زان وزانية ديّة مسلّمة إلى بيت العدل وهي تسعة مثاقيل من الذّهب وإن عادا مرّة أخرى عودوا بضعف الجزآء هذا ما حكم به مالك الأسماء في الأولى وفي الأخرى قدّر لهما عذاب مهين " (كتاب اقدس – بند 49)

3 - " سؤال : از جزای زانی و زانيه.

جواب : دفعه اولی ٩ مثقال ثانی ١٨ مثقال ثالث ٣٦ مثقال الی آخر دو مقدار جزای سابق و مثقال نوزده نخود است چنانچه در بيان نازل شده " (رساله سؤال و جواب، 23)

4 - " سؤال : از حدّ زنا و لواط و سارق و مقادير آن.

جواب : تعيين مقادير حد به بيت العدل راجع است " (رساله سؤال و جواب، 49)

5 - " هر نفسی از او آثار خباثت و شهوت ظاهر شود او از حقّ نبوده و نيست " (گنجينه حدود و احکام ص 299 )

6 – " قد حرّم عليکم الزّنا واللّواط والخيانة أن اجتنبوا يا معشر المقبلين . تاللّه قد خلقتم لتطهير العالم عن رجس الهوی هذا ما يأمرکم به مولی الوری إن أنتم من العارفين . من ينسب نفسه إلی الرّحمن ويرتکب ما عمل به الشّيطان إنّه ليس منّي يشهد بذلک کلّ النّواة والحصاة وکلّ الأشجار والأثمار وعن ورائها هذا اللّسان النّاطق الصّادق الأمين "

(ص ٩-٢٣٨ گنجينه حدود و احکام و با دو تفاوت در ص ٤-٥١٣ج ٢ امر و خلق و ص 90 الحياة البهائية)

**حضرت عبدالبهاء:**

1 - " امّا مسأله زنا اين تعلّق بغيرِ مُحْصَن دارد نه مُحْصَن و امّا زانی محصن و محصنه حکمش راجع به بيت العدل است "

(گنجينه حدود و احکام ص 301)

2 - " امّا مسأله زنا در الواح الهيّه در مسأله فحشاء بقدری زجر و عتاب و عقاب مذکور که بحدّ حصر نيايد که شخص مرتکب فحشاء از درگاهر احديّت مطرود و مردود و در نزد ياران مذموم و در نزد عموم بشر مرذول . حتّی در بعضی کلمات بيان خسران مبين و محروميّت ابدی است ولی در قصاص حکومتی و سياسی چنين امری صادر نه زيرا حکومت الآن در جميع دنيا به زانی ابداً تعرّض ننموده و نمی نمايد لهذا محکوم ، رسوای عالَم نگردد. اين جزاء بجهت آنست تا رذيل و رسوای عالَم گردد و محض تشهير است و اين رسوائی اعظم عقوبت است . ملاحظه نمائيد که به نصّ قرآن ابداً زنا ثابت نگردد زيرا شهود اربعه در آن واحد بايد شهادت به تمکّن تامّ از هر جهت بدهند . لهذا جز باقرار زنا ثابت نگردد . آيا ميتوان نسبت اندک عدم اهميّت بزنا بقرآن داد؟ لَا وَاللّه . فَأْنِصُفْوا يَا أَهْلَ الْإِنْصَافِ " (مكاتيب حضرت عبدالبهاء، جلد 3، ص 371)

**بیت العدل:**

1 - " کلمه زنا در لغت شامل زنای محصن و غير محصن هر دو می باشد ، يعنی هم به روابط جنسی بين يک فرد متأهّل با کسی که همسر او نيست و هم به طور کلّی به روابط جنسی خارج از محدوده ازدواج اطلاق می شود . جريمه‌ای را که جمال اقدس ابهی مقرّر فرموده‌اند برای مرد و زن غير محصن است که مرتکب زنا شوند (يادداشت شماره ٧٧) . تعيين مجازات مربوط به ساير تخلّفات جنسی ، من جمله زنای به عنف به تصميم بيت العدل اعظم محوّل شده است " (كتاب اقدس – شرح 36)

2 - " زنا به طور کلّی به روابط نامشروع جنسی بين افراد ، اعمّ از متأهّل يا مجرّد ، اطلاق می شود (يادداشت شماره ٣٦) . طبق بيان حضرت عبدالبهاء جزای مصرّح در آيه فوق تعلّق به غير محصن دارد نه محصن ، يعنی مجرّد نه متأهّل . سپس می فرمايند : امّا زانی محصن و محصنه حکمش راجع به بيت العدل است (سؤال و جواب فقره ٤٩) . در يکی از الواح مبارکه حضرت عبدالبهاء به عواقب سوء روحانی و اجتماعی تجاوز از موازين عفّت و عصمت اشاره نموده و می فرمايند : شخص مرتکب فحشاء از درگاه احديّت مطرود و مردود . در صورتی که جرم ثابت و مرتکب محکوم به پرداخت جريمه شود ، به فرموده حضرت عبدالبهاء اين جزا به جهت آن است تا رذيل و رسوای عالم گردد و محض تشهير است و اين رسوائی اعظم عقوبت است . مراد از بيت العدل مذکور در اين آيه ظاهراً بيت العدل محلی است که در حال حاضر به محفل روحانی محلّی شهرت دارد "

(كتاب اقدس – شرح 77)